

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

مسلم منصوری
فرستنده: صبا راهی
۱۴ جنوری ۲۰۱۶

ضد امپریالیست های قلابی پادو رژیم و امپریالیسم

بیش از سه دهه است که اربابان جهان ارکستر سیاسی و تبلیغاتی عظیمی را به راه انداخته اند تا رژیم حاکم بر ایران را در این دوره به عنوان دشمن اصلی خود معرفی کنند. اگر در این مرحله جهانی سازی و در این گذار تاریخی و فشار طاقت فرسایی که "به نام ریاضت اقتصادی" بر گرده توده های مردم تلنبار شده، این دشمن قلابی را نمی ساختند و به وسیله این دشمن قلابی زمینه جنگ های به ظاهر مذهبی و قومی را در خاورمیانه و افریقا آماده نمی کردند، اکنون به جای رشد دسته جات اسلام "ضد استکباری" شاهد رشد جنبش های آزادیبخش و مترقی با خصیصه ضد سرمایه داری در خاورمیانه، افریقا، امریکای لاتین و در همین کشورهای غربی بودیم. با ساختن این دشمن قلابی و گره زدن ذهنیت عمومی به این معرکه دشمن سازی، نه تنها مبارزه مردم ایران بلکه مبارزات رهائیبخش را در همه جای جهان به حاشیه برده و کم رنگ کرده اند.

اما تنها این ارکستر خبری و سیاسی اربابان جهان نیست که رژیم دست ساز و تحمیل شده بر ایران را به عنوان دشمن اصلی خود باد می کنند بلکه خائنین ضد امپریالیست نما و مارکسیست نما و ضد جنگ نماهای جهانی و وطنی خود بخشی از این ارکستر هستند و همان تبلیغات رسانه های ارباب و نوکر را در رنگ و لعاب ضد امپریالیستی و مارکسیستی و ملی می پیچند. عوارض این خائنین تنها به آتش بیاری معرکه ارباب و نوکر ختم نمی شود بلکه باعث می شود تا صدای ضد امپریالیست های واقعی، صدای ضد جنگ های واقعی و صدای نیروهای مردمی شنیده نشود و در زیر جار و جنجال های سیاسی و رسانه ای این ارکستر گم شود.

خلاف تحلیل ها و گفته های این خائنین، وقتی خط این دشمن سازی و مشاجرات اتومی و تحریم را در واقعیت های عینی دنبال کنیم، می بینیم در دوره احمدی نژاد که این تحریم ها وضع شد، بیش از هر زمانی تمامی تولیدات داخلی به نفع واردات بنجل های سرمایه داری جهانی نابود شد. اگر این تحریم ها واقعی بود، به جای نابودی زیربنای تولیدی باید خط حمایت از تولیدات داخلی برای خنثی نمودن اثرات تحریم به پیش می رفت نه به عکس. این تحریم ها در عمل به جز تحمیل فقر و چپاول بیشتر بر مردم و تقویت نمایش های سیاسی و ضد "استکباری" رژیم حاصل دیگری نداشته است.

می بینیم نتیجه همه سالهای تحریم کمر چه کسی را شکست و چه کسی را از لحاظ سیاسی و اقتصادی تقویت کرد. ابراهیم رزاقی استاد بازنشسته دانشگاه تهران اعلام می کند: "اقتصاد ما به بدترین شکل وابسته است، بانک های ما در

خدمت خصوصی شدن هستند اما از نوع تجاری و دلالتی. تورم امروز نتیجه واردات کالاهای خارجی است، این بلایی است که مغول‌ها هم سر این مملکت نیاوردند." تازه این‌ها نمونه‌هایی است از خود رسانه‌های حکومتی. در دوره احمدی‌نژاد زیر چتر این تحریم‌ها و عربده‌کشی‌های سیاسی علیه "استکبار" طرح هدفمندی یارانه‌ها و قطع سوبسیدها را به اجراء گذاشتند، نان سر سفره مردم را به نفع جیب سرمایه‌داری ربودند و الگوی نظم نوین برده‌داری و صندوق بین‌المللی پول را در حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با سرعت هرچه تمام‌تر پیاده کردند. روزنامه‌های حکومتی بارها نوشته‌اند که در آمد فروش نفت در دوره احمدی‌نژاد بیشتر از کل تاریخ فروش نفت در ایران بوده است. در حالی که در همین دوره فقر و گرسنگی و فشار اعاشه و گرانی ارزاق عمومی بیشتر از هر دوره‌ای بر مردم تحمیل شد و اقشار محروم جامعه را کمر شکن کرد. آمار سرسام‌آور اعدام‌ها و دستگیری‌ها و غارت منابع طبیعی و کشتار جنگل‌ها و رودخانه‌ها و زمین‌های کشاورزی تا آنجاست که رسانه‌های خود حکومت دیگر نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند، گوشه‌ای از این فجایع را مطرح می‌کنند تا آن را در سطح بحث‌های کارشناسی تنزل داده و عامل اصلی این تباهی را از زیر ضرب بیرون بکشند. اما انتشار همین اخبار از سوی رسانه‌های حکومتی خود گویای تنگناهای مالی و فشارهای روحی و روانی غیر قابل تصور بر مردم ایران است.

نویسنده سایت خبر فارسی در تاریخ ۱۶ مرداد [اسد] ۱۳۹۴ می‌نویسد: "دو سه روز قبل بود که برای تهیه گزارش به خیابان مهدی در محله فرامرز عباسی رفتم. گشت‌وگذار در دل محله و وقت در مشکلات اهالی، باعث شد تا این‌بار سوژه جدیدی نظرم را به خود جلب کند. عبارت‌هایی مانند فروش کلیه، کلیه‌فروشی، فروش کلیه زیر قیمت و... تاکنون زیاد به چشمم خورده بود اما این عبارت با بقیه فرق داشت و روی دیوار با مائیک پررنگ نوشته شده بود؛ چشم‌فروشی... عبارت تکان‌دهنده‌ای که هنوز که هنوز است، نوع نگارش حروفش بر روی دیوار، در ذهنم نقش بسته است. با تلفون همراه شماره می‌گیرم... پیشنهاد خرید چشم را مطرح می‌کنم و بعد از انجام رایزنی و صحبت تلفونی، قرار ملاقات محقق می‌شود و این‌بار به عنوان خریدار پای معامله می‌روم. محل قرار، ایستگاه اتوبوس چهارراه میدان بار در مشهد است. سر ساعت مقرر از راه می‌رسد می‌گوید: ۶ ماه پیش در تهران یک کلیه‌ام را ۶ میلیون فروختم. الان هم به شدت فشار مالی دارم. حاضرم با همان ۶ میلیون چشم را بفروشم... سه بچه دارم و صاحب‌خانه جوابم کرده است. بی‌سواد و بیکار هستم و باید خرجی فرزندان و همسرم را بدهم. چشم من مال شما، هرکار دوست دارید با آن انجام دهید... از من که گذشت، دلم نمی‌خواهد فرزندانم بی‌خانمان بزرگ شوند. برای من چه اهمیت دارد که یک چشم داشته باشم یا نه؟ ندارم، فقر امانم را بریده است"

سایت فریختگان نوشته: "روستای قلعه‌رش در شهرستان سردهشت آذربایجان غربی است. فضای خفقان‌آوری در این روستا حاکم شده و "قلعه‌رش" بوی مرگ می‌دهد، فضای رعب‌انگیزی که در کوچه‌ها حس می‌شود، امید و انگیزه ادامه زندگی را از هر رهگذری می‌گیرد. در دو هفته ۱۰ نفر خود را با طناب از درخت حلق‌آویز کرده‌اند... کمتر از شش سال پیش بود که چهار زن در همین خطه خودسوزی کردند... تا جایی که ما متوجه شده‌ایم فقر و نبود امکانات از انگیزه‌های اصلی این خودکشی‌ها بوده است"

این در حالی است که کشور ایران روی دریای نفت و گاز خوابیده و دزدی‌ها و چپاول میلیاردهای مقامات حکومتی امری عادی و روزانه شده است. خبرگزاری ایرنا اعلام می‌کند: "محمد باقر نوبخت، سخنگوی دولت حسن روحانی، می‌گوید که ۷۰۰ میلیارد دالر از دارایی‌های کشور طی پنج تا شش سال خورده و فوراً داده شده است" حاصل این چپاول و غارت افسار گسیخته و تباهی ناشی از آن به بردگی و خرید و فروش کودکان هم رسیده است. سایت حکومتی خبر فارسی ۱۸ مهر [میزان] ۱۳۹۴ در مطلبی با عنوان "کودکان متعددی چند فروخته می‌شوند" می‌نویسد: "این

کودکان بر اساس جنس، تجربه و سنی که دارند تعیین قیمت می‌شوند و از صد هزار تومان تا پنج میلیون تومان خرید و فروش می‌شوند. پدر و مادر این کودکان را به فامیل یا باندهای متکدی اجاره می‌دهند تا برای آنها کار کنند. این کودکان باید تا آخر شب مقدار مشخصی پول به خانه ببرند و گرنه به اجبار تن به کارهای دیگری می‌دهند."

این فلاکت و سیه روزی که بر مردم و بر رودخانه‌ها و کوه‌ها و جنگل‌ها تحمیل شده، فقط نتیجه نوکری رژیم برای ارباب یا فقط محصول وابستگی رژیم به سرمایه داری جهانی مانند دوران شاه نیست بلکه محصول سرعت رژیم در به اجراء در آوردن طرح‌ها و پیش بردن خط سرمایه داری جهانی با روکش اسلامی در ایران و منطقه است. رژیم با چنان سرعتی طرح‌ها و سیاست‌های اربابان را در حوزه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به اجراء می‌گذارد و پایه‌های ارزشی و هویتی جامعه را شخم می‌زند که تاکنون هیچ نوکری نتوانسته با این سرعت بنیان‌های یک جامعه را دگرگون کند. اگر رژیم این لباس ضد "امپریالیستی" را بر تن نمی‌کرد و این صورتک ضد استکباری را بر چهره نمی‌زد، هرگز نمی‌توانست چنین بلائی را با این سرعت بر سر مردم نازل کند.

در پوشش این دشمنی نه تنها ابتدائی‌ترین خدمات اجتماعی و نیازهای زندگی مردم در زمینه مسکن، خوراک، پوشاک، پزشکی، آموزش و ... را به نفع سرمایه داری ربودند و نه تنها چشم فروشی، کلیه فروشی، بچه فروشی، تن فروشی و فاصله‌های سرسام آور طبقاتی و انواع بیماری‌های روحی و روانی و جسمی ناشی از آن را بر مردم تحمیل کردند بلکه چپاول و کشتار روخانه‌ها، جنگل‌ها، کوه‌ها، دریا‌ها و ... در تاریخ ایران بی سابقه است. روزی نیست که گزارشی از زمین خواری!، دریا خواری!، کوه خواری!، کویر خواری!، جنگل خواری!، در رسانه‌های حکومتی بیرون نزنند. سرعت ویران کردن و از نو ساختن کشوری بر اساس خط دیکته شده اربابان تا آنجاست که بخشی از مقامات خود رژیم از عوارض این سرعت و به هم ریختگی اجتماعی و نابودی بی سابقه منابع طبیعی ابراز نگرانی می‌کنند و از این که این سرعت به طناب دار رژیم و به انفجار خشم جامعه منجر شود به وحشت افتاده‌اند.

خبرگزاری حکومتی ایلنا ۲ آبان [عقرب] ۹۴ تصمیم دولت روحانی برای ساختن سد در جنگل‌های تاریخی هیرکانی را که قدمت آن به بیش از ۴۰ میلیون سال می‌رسد اعلام می‌کند. دستور تخریب بخش بزرگی از جنگل‌های تاریخی هیرکانی در حالی صورت می‌گیرد که به نوشته دانشنامه ویکی پدیا: "این جنگل از منطقه هیرکن جمهوری آذربایجان آغاز و تا استان گلستان در ایران امتداد دارد. این جنگل با قدمت ۴۰ میلیون سال یکی از ارزشمندترین جنگل‌های جهان به شمار می‌آید و از آن به عنوان موزه طبیعی یاد می‌شود."

سایت حکومتی باشگاه خبرنگاران جوان ۱۱ آذر [قوس] ۱۳۹۴ می‌گوید: "بیش از ۹۰ درصد حیات وحش کشور (گونه‌های گیاهی، جانوری و زیستگاه‌های طبیعی) طی چهار دهه از دست رفته است... زمانی که کلنگ سازمان محیط زیست زمین خورد یک میلیون و سیصد هزار آهو، گوزن، گورخر، قوچ و میش و کل و بز و ... در ایران زندگی می‌کردند اما اکنون این آمار به کمتر از ۱۱۰ هزار رسیده است یعنی ایران بیش از ۹۰ درصد حیات وحش خود را در چهار دهه از دست داده است." همین سایت در ادامه می‌نویسد: "ایران با چند بحران بزرگ رو به رو است. یکی بحران خاک است که هیچ‌کس متوجه آن نیست و صدای آن را شنیده است. با توجه به اقلیم ایران بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ سال طول می‌کشد تا یک سانتی‌متر خاک تولید شود اما در حالت خوش‌بینانه ما سالی ۲ میلیارد مترمکعب خاک از دست می‌دهیم"

خبرگزاری ایرنا می‌نویسد "معاون امور تالاب‌ها در سازمان محیط زیست گفت: 'براساس بررسی‌هایی که ما انجام داده ایم، ۶۷ درصد از ۳ میلیون هکتار مساحت تالاب‌های ایران خشک شده‌اند. بخشی از این مشکل به دلیل کاهش بارش و افزایش دما رخ داده، اما بخش زیادی از این مشکل به دلیل توسعه بی رویه در بالادست تالاب‌ها و به ویژه

سد سازی است." سایت سلامت نیوز نوشته: "به گفته سازمان محیط زیست، عامل اصلی پدیده ریزگردها، همان خشک شدن تالاب ها و آبریزها در این استان ها می باشد. اکنون پدیده ریزگردها قسماً به ۲۳ استان کشور نیز کشیده است. پدیده ای که سلامت بیش از ۴۰ میلیون ساکنان این مناطق را به جد به خطر انداخته است".

خبرگزاری حکومتی ایرنا - ۱۷ مهر [میزان] ۹۴ از قول مشاور وزیر نیرو می نویسد: "۵۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز در حوزه آبریز دریاچه ارومیه در آذربایجان غربی به صورت غیرقانونی حفر شده است. وجود این تعداد چاه غیرمجاز و بیش از ۳۸ هزار حلقه چاه مجاز دیگر در این حوزه آبریز موجب شده که سفره های آب زیرزمینی خالی شوند و میزان روان آب ها کاهش یابند." خشک شدن اکثر رودخانه ها و نابودی دریاچه ها و تالاب ها و جنگل ها به خاطر سدسازی بوده و سد سازی ها برای به چرخش در آوردن نیروگاه های اتمی بوده است. اکثر رودخانه ها، تالاب ها، دریاچه ها و جنگل ها قربانی نیروگاه های اتمی شده اند.

ساخت نیرو گاه ها اتمی حاصلی جز فقر، بدبختی، خشک سالی و ریزگرد ها برای مردم نداشته ولی برای رژیم و اربابانش بیشترین منفعت را داشته. بیشتر از ۱۵ سال است که نمایش اتمی را به روی صحنه آورده اند تا ذهنیت عمومی را از خشونت افسارگسیخته و چپاول مردم و کشتار رودخانه ها و جنگل ها و نابودی بنیان های تولیدات بومی، به معرکه هسته ای و به این دشمن بازی گره بزنند. با به صحنه آوردن نمایش تحریم، این امکان را برای رژیم فراهم کردند تا فقر و فلاکت موجود و چپاول میلیاردری هر روزه را از گردن خود باز کرده به گردن تحریم "استکبار جهانی" بیندازد. نزدیک به دو دهه است به بهانه مشاجرات اتمی و پرخاش های توخالی و تأکید بر گزینه نظامی و تحریم، فضائی را مهیا کرده اند که در زیر چتر این فضاء رژیم بتواند به بهانه مبارزه با "استکبار" هر حرکت اعتراضی را در جامعه سرکوب کرده و مردم را از گرفتار شدن در جنگ و فلاکت بیشتر بترساند و تمامی این تباهی و ویرانی را در پوشش مبارزه با "استکبار" توجیه کند.

اگر این سلسله امدادهای غیبی، امنیتی، اقتصادی، اطلاعاتی و تسلیحاتی "استکبار جهانی" نبود این حکومت تحمیلی را مطالبات و پتانسیل انقلابی توده های مردم در دهه شصت انداخته بود. منتها تمامی این امدادهای غیبی و علنی در پوشش دشمنی انجام گرفته و می گیرد. همانطور که پیش برد سیاست های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی "استکبار جهانی" در ایران در زیر چتر همین دشمنی به پیش رفته و می رود. عوارض اجتماعی پیش برد سیاست های اربابان در ایران، تنها در یک قلم خود را طبق آمار رسمی خود سازمان ملل در ۲۰ میلیون زاغه نشین و حلبی آبادهای حاشیه شهرهای بزرگ نشان می دهد. نابودی تولیدات داخلی و بومی و کشاورزی و دامداری و نابودی زیربنای آن مانند جنگل ها، رودخانه ها و تبدیل روستاهای تولید کننده به شهرک های مصرف کننده در حاشیه شهرهای بزرگ، تنها یک قلم از عوارض اجرای سیاست های اربابان در پهنه اجتماعی ایران است. به شهادت اوضاع فلاکت بار اجتماعی و نابودی غیر قابل جبران بنیان های تولیدی و هویتی، این دشمن قلابی بهتر از هر دوستی طرح ها و سیاست های "شیطان بزرگ" و شرکاء را در ایران و منطقه در حوزه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اجراء نموده است.

خلاف آنچه که ضد امپریالیست نماهای جهانی و وطنی این پا اندازان رژیم و سرمایه داری القاء می کنند، این مذاکرات و توافق اتمی و این موش و گربه بازی های پیرامون آن نه برای کم و زیاد شدن درجه غنی سازی اورانیوم که برای آماده کردن زمینه اجتماعی ورود علنی شرکت ها و کمپانی های غارتگر بی المللی در ایران و تحمیل فقر و اسارت بیشتر بر مردم و جا انداختن این دشمن قلابی به عنوان قدرت مستقل منطقه ای است. همچنانکه در راستای باد کردن این دشمن قلابی، وقتی رئیس جمهور همین حکومت به سازمان ملل می آمد رسانه های امریکا در بالاترین سطوح در اختیارش قرار می گرفت تا از او به عنوان دشمن خود چهره سازی کند. اگر رسانه های امریکا نبودند حرف های احمدی

نژاد را مردم ایران هم نمی‌شنیدند چه رسد به مردم دنیا. چنان وانمود می‌کردند که گوئی بزرگ‌ترین و قدرتمندترین دشمن امپریالیست‌ها به امریکا سفر کرده است. حالا که مصرفش در آن دوره تمام شده، شنونده هایش از چهار تا بسیجی فراتر نمی‌رود. وقتی اصل مسأله این است که ذهنیت توده‌ها را به این نمایش دشمن‌سازی گره بزنند، می‌بینیم هر دوره پرده نمایش عوض می‌شود.

قدرت‌های غربی به وسیله این رژیم بستر اجتماعی و سیاسی را برای جنگ‌های به ظاهر مذهبی و فرقه‌ئی از پائین آماده کردند و از بالا با ترساندن حکومت‌های آن منطقه فضای کل خاورمیانه را نظامی کرده و با فروش سلاح‌های در انبار مانده به سودهای نجومی رسیدند و بخشی از بحران‌های اجتماعی خود را با آن حل و فصل کردند. نشریه فارین پالیسی با اشاره به مذاکرات ایران و ۵+۱ نوشته: "عزم بارک اوباما برای دستیابی توافق با ایران، ثروت بادآورده‌ای را نصیب شرکت‌های اسلحه‌سازی امریکائی کرده است. به نوشته فارین پالیسی از آنجا که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس اعتمادی به این توافق ندارند و ظرفیت موشک‌های بالیستیک ایران هم در این توافق دست نخورده باقی مانده، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس خریدهای تسلیحاتی خود را سرعت بخشیده‌اند و بازار سامانه‌های پدافندی بیش از پیش داغ شده است." با هدفی که در بهم ریختن خاورمیانه و رشد دستجات "اسلام ضد استکباری" دنبال می‌کنند، فروش سلاح تنها یکی از منفعت‌های حاشیه‌ئی و جانبی آن است.

اگر امروز سرمایه داری جهانی با تمام توان خود از حکومت ایران زیر چتر دشمنی محافظت می‌کند و دست اپوزیسیون مسلح را در کردستان و مجاهدین را در عراق می‌بندد تا گلوله‌ای به سمت حکومت شلیک نشود، اگر از مهره‌ها و اپوزیسیون‌های دست‌ساز حکومت چهره‌سازی می‌کند، اگر به زور جایزه‌ها و تبلیغات رسانه‌ئی، تولیدات فرهنگی رژیم را جلوی دید همه قرار می‌دهد، اگر تلویزیون‌های بی‌بی‌سی، من و تو، صدای امریکا و ... نسبت به رسانه‌های خود رژیم کاسه داغ‌تر از آتش شده‌اند، اگر مدیریت این رسانه‌ها را به دست مأموران اطلاعاتی و لابی‌های نفتی رژیم سپرده‌اند، دلیل آن ساده و روشن است. چون اگر این رژیم به دست مردم سرنگون شود، کل اسلام ضد "استکباری" و دست‌جات آن در خاورمیانه و افریقا مضمحل می‌شوند و تمامی طرح‌های اربابان در منطقه به هم می‌ریزد و در این به هم ریختگی صف بندی واقعی طبقاتی و سیاسی قبل از روی کار آمدن خمینی دوباره سر بر می‌آورد. همچنانکه وقتی خمینی را به عنوان چهره ضد امپریالیست بر سر کار آوردند، دیدیم که چگونه در سطح جهانی امپریالیسم توانست به دست خمینی و حکومتش مبارزه ضد امپریالیستی را بی اعتبار کرده و به لجن بکشاند و معادله سیاسی، طبقاتی و آزادیخواهانه را به معادله مذهبی و فرقه‌ای تبدیل کند.

بدون آوردن خمینی و جاده صاف کردن منطقه توسط خمینی زمینه ظهور امثال داعش، القاعده، بوکوحرام... ایجاد نمی‌شد. بی‌جهت نبود که خمینی به عنوان "رهبرمسلمین جهان" و با شعار "صدر انقلاب اسلامی" زمینه جنگ‌های فرقه‌ئی و مذهبی را در خاورمیانه آماده کرد، نه تنها پتانسیل انقلابی توده‌های ایران بلکه پتانسیل عظیمی که در سراسر منطقه در پرتوی انقلاب ۵۷ علیه سلطه استعمارگران زنده شده بود را به نفع همان استعمار به ضد خودش تبدیل کرد. خمینی در همان ماه‌های اول انقلاب با تأکید بر صدور انقلاب اسلامی به عراق و تغییر حاکمیت آن به حکومت اسلامی، زمینه جنگ ایران و عراق را فراهم کرد و بعد از دو سال که دولت عراق خواستار پایان یافتن جنگ و پرداخت همه خسارت‌های وارده شد، بازخمینی بود که ۸ سال بر طبل جنگ کوبید. منفعت این رژیم برای ارباب فقط در چارچوب کشور ایران نیست بلکه در کل منطقه و در سطح جهانی است.

اربابان جهانی تا زمانی که تمامی آن مناطق را شخم نزنند و ریل نظم نوین برده داری نچینند، به رژیم ایران برای گسترش جنگ‌های منطقه‌ئی نیاز دارند. بارها مقامات ریز و درشت رژیم اعلام کرده‌اند که بعد از یمن و سوریه

نوبت عربستان است. دیگر علنی تر از این نمی شود همه را به جنگ دعوت کرد و پای همه را به جنگ های منطقه ئی و فرقه ئی کشاند. در این مرحله حکومت تحمیل شده بر ایران باید آن منطقه را برای چیده شدن ریل جهانی سازی آماده کند. چراکه در این مرحله هیچ نیروی به جز "اسلام ضد استکباری" در جوامع اسلامی توان این آماده سازی و ایجاد بحران های کاذب را برای اربابان ندارد.

قدرت های غربی برای واقعی نشان دادن این دشمن قلابی، بارها حکومت تحمیل شده بر ایران را به نقض حقوق بشر، صدور تروریسم، سیاست توسعه طلبی در منطقه و تلاش برای دست یابی به سلاح اتمی متهم کرده اند. هر کدام از این اتهامها کافی است تا حکومتی را از جا بردارند. همانطور که در عراق، لیبیا و... به بهانه یکی از این اتهام ها حکومت های این کشورها را ساقط کردند. ولی همین قدرت ها وقتی به رژیم ایران می رسند "صلح طلب" و "مؤدب" می شوند. این اتهام نقض حقوق بشر و صدور تروریسم نه تنها به تضعیف و عقب نشینی رژیم در این حوزه ها منجر نشده بلکه هر روز بیشتر و بیشتر شده است. در عمل می بینیم این اتهام ها فقط ابزاری است برای رژیم تا بحران های داخلی و منطقه ئی خود و آنها را حل و فصل کند.

صحنه را طوری می چینند که اگر با حکومتی که خود بر ایران تحمیل کرده اند مذاکره و همکاری نکنند کار به جنگ کشیده می شود. در صورتی که هر کسی کوچکترین اطلاعی از داخل ایران و از خشم و کینه مردم نسبت به این حکومت داشته باشد می داند که اگر استکبار بخواهد این رژیم را بردارد به تنها چیزی که احتیاج ندارد جنگ است. فقط کافی است یک روز امدادهايش را به رژیم قطع کند. این رژیم سالهاست که به خاطر خشم و نفرت مردم، جسد متعفن و گندیده ای بیش نیست که بر روی دست های همین استکبار ایستاده است. اگر صدور تروریسم و نقض حقوق بشر توسط رژیم در چارچوب سیاست ها و منافع خودشان نیست، اگر این اتهام ها فقط برای رد گم کردن نیست، کافی است امداد های شان را به رژیم نرسانند، خواهیم دید که نه از تاک نشانی می ماند نه از تاک نشان.

به وسیله این رژیم و دستجات "اسلام ضد استکباری" نه تنها منطقه خاورمیانه را شخم می زنند تا ریل جهانی سازی را بچینند بلکه در همین کشورهای غربی با ترساندن مردم از رشد دستجات اسلامی، دستگاه کنترل و سرکوب خود را در جامعه پهن کرده و مبارزات آزادیبخش را در این جوامع به حاشیه برده و به جای آن، در افکار عمومی دعوا را بین نیروهای دست راستی و تشکل های اسلامی گره می زنند. با پر و بال دادن به فاشیسم مذهبی در کشورهای غربی، راه را برای فاشیسم سرمایه داری در همین کشور ها هموار می کنند. همین دموکراسی بورژوازی و نهاد های مدنی و قانون اساسی موجود نظام سرمایه داری دیگر به درد خانواده ممتاز جهانی در این مرحله نمی خورد. فقط با تغییر قوانین و بافت اجتماعی موجود و با ایجاد ارعاب و تحمیل قوانین فاشیستی می توانند از این مرحله عبور کنند و جهان را به دهکده کوچک جهانی تبدیل کنند. پس باید راه را برای رشد فاشیسم اسلامی باز کنند تا راه برای فاشیسم سرمایه داری هموار شود.

آنوقت ضد امپریالیست ها و ضد جنگ نماهای جهانی و وطنی به عنوان آتش بیار معرکه ارباب و نوکر در فضای اینترنتی و برنامه های تلویزیونی می لولند و تبلیغات مورد نظر کارشناسان امنیتی دولت ها را به عنوان تحلیل چپ و کمونیستی ترویج می کنند. این سران ضد جنگ و ضد امپریالیست های قلابی نه تنها کوچکترین اعتراضی به این همه کشتار و چپاول مردم ایران نمی کنند بلکه به دیدار امثال احمدی نژاد می روند و مدال افتخار و مدال ضد امپریالیستی به گردنش می اندازند. اکثر این سران به اصطلاح ضد جنگ و ضد امپریالیست در خدمت دستگاه های امنیتی دولت های غربی به کار گرفته شده اند. روزانه دهها مطلب در باره نقش "ضد استکباری" رژیم در منطقه و تحولات خاورمیانه می نویسند و همان تبلیغات مورد نیاز دستگاه های امنیتی را در قالب تحلیل چپ و مارکسیستی به خورد

جوامع می دهند، بخش وطنی‌شان هم چه در داخل ایران و چه در خارج کشور همین مطالب را ترجمه و نشخوار می کنند و تنها وظیفه ای که دارند این است که هر حرکت قهرآمیزی که علیه رژیم صورت بگیرد و هر دستی که در مبارزه علیه رژیم به سمت تفنگ برود، آنها همسو با سرکوبگران مردم آن را به عمال داخلی امپریالیست نسبت بدهند. اگر امروز در مقابل اسید پاشی رژیم بر چهره زنان یکی از مراکز امر به معروف برسرش خراب شود قبل از وزارت اطلاعات این پفیوزها به نام چپ و کمونیست و به نام مدافع طبقه کارگر و راه کارگر اطلاعیه صادر می کنند و به عنوان حرکت تروریستی آن را محکوم می کنند. این مدعیان دروغین چپ نفرت انگیز تر و تهوع آور تر از نهاد های رسمی خود رژیم و رسانه هائی مثل بی بی سی هستند.

این خائنین در پوشش ضد امپریالیست، نه تنها اندیشه مارکس این انسان شوریده و انقلابی را از جوهره اصلی خودش تهی می کنند بلکه چنان چهره ای از او تصویر می کنند که اگر امروز زنده بود زیر پرچم شیخ نصرالله در خیابان های لندن سینه می زد. بی جهت نیست که رژیم در داخل ایران می گذارد کتاب های مارکس و نظرات ضد امپریالیستی ترجمه شود و اجازه می دهد کلاس های آموزش کاپیتال و ارزش اضافی دایر باشد و منبر در اختیار این مدافعان به اصطلاح سوسیالیست و ضد امپریالیست می گذارد تا سیاست نئو لیبرالیسم را توضیح بدهند و علیه سیاست های اقتصادی سرمایه داری و خود و رژیم حرف بزنند اما آنجا که به جمع بندی و چه باید کرد می رسند امپریالیست و سلطه آن را نه در داخل مرزهای ایران و نه در سیاست های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی که رژیم پیاده می کند، که به بیرون از مرزهای ایران نشان دهند و خشم و کینه مردم به جان آمده را به ناکجا آباد حواله کنند و بازوی اصلی و اجرائی همین امپریالیست را در ایران و منطقه تطهیر مارکسیستی کرده و جوانانی را که به چپ واقعی و رادیکال گرایش دارند، به بحث های بی سرانجام و تئوری های پوشالی در گیر کنند. آنها از سوسیالیسم و از رنج طبقه کارگر و آوارگی مردم منطقه در حد روضه خوانی و ذکر مصیبت کربلا اکتفاء می کنند و در انتهای ذکر مصیبت، مردم را از جنگ و از دخالت "بشر دوستانه" قدرت های غربی در ایران می ترسانند، در حالی که قدرت های غربی در این سه دهه فقط دخالت "آخوند دوستانه" در ایران داشته اند و دخالت "بشر دوستانه" شان در افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه، یمن و در افریقا به کمک همین رژیم انجام گرفته و می گیرد.

این مدعیان دروغین چپ چه در داخل ایران و چه در خارج از کشور به خوبی می دانند که اگر در ایران نیروی رادیکالی پا بگیرد، دکان سیاسی آنها تخته می شود، منبرشان را از دست می دهند و ماهیت پوشالی و بی مایه آنها رو می شود. آنها فقط در همین بساطی که اربابان با رژیم و دستجات اسلامی راه انداخته اند می توانند ابراز وجود کنند. برای همین این مدعیان دروغین چپ به اندازه خود رژیم از دست بردن مردم به تفنگ و از زایش نیروی چپ رادیکال در ایران وحشت دارند.

این خائنین هر لباسی که بر تن کنند هنرمند، مارکسیست، ضد امپریالیست، ضد جنگ، مدافع حقوق بشر، کارشناس، فعال اجتماعی، روزنامه نگار، مدافع طبقه کارگر و... شریک جنایت رژیم هستند. این جماعت در حالی زیر پرچم صلح خواهی سینه می زنند و تحت پوشش صلح طلبی از رژیم حمایت می کنند که خود رژیم هر زمانی که لازم بوده چهره دیگری از خودش نشان بدهد و نان همکاری با استکبار را بخورد بارها اعتراف کرده که بیشترین همکاری را در اشغال عراق و افغانستان با امریکا داشته است. اهریمنان جهانی ویران کننده ترین و فاجعه بارترین جنگ ها را با همکاری مستقیم همین رژیم بر مردم خاورمیانه و افریقا تحمیل کرده اند، آنوقت این خائنین در حمایت از رژیم ماسک ضد جنگ بر چهره می زنند. تف و لعنت زاغه نشین ها و کارگران ایران و له شدگان عراق، سوریه، لیبیا، افغانستان

و تف و لعنت کوه ها، دریاچه ها، رودخانه ها و درخت های کشتار شده بر این گله جیرخوار و بر این ضد امپریالیست نماها و بر این هنرمندان و روشنفکران و استادان فرصت طلب و نان به نرخ روز خوار باد!

اما ورای این ارکستر سیاسی و تبلیغاتی اربابان، واقعیت های عینی و تردید ناپذیر به هزار زبان می گوید که سرنگونی حکومت تحمیل شده بر ایران و افتادن این دشمن قلابی نه تنها به رهایی مردم ایران بلکه به رهایی تمام مردم تحت ستم خاورمیانه و به بی رنگ شدن جنگ های مذهبی و منطقه ای راه خواهد برد و خط جهانی سازی اربابان با مانع جدی روبه رو خواهد شد. چنانچه در این مرحله سرمایه داری نتواند به برقراری نظم نوین برده داری و دهکده کوچک جهانی برسد، راهی به جز غرق شدن در بحران های لاعلاج ندارد. چراکه این جهانی سازی برای سرمایه داری نه یک انتخاب که اجبار تاریخی است. در این مرحله افتادن این دشمن قلابی به رشد تفکر بنیادین ضد سرمایه داری و پا گرفتن دشمن واقعی منجر خواهد شد. اکنون با وجود این دشمن قلابی شاهد خیزش های اعتراضی توده ئی در یونان، برزیل، اسپانیا و دیگر نقاط جهان هستیم، واضح و روشن است که با افتادن این دشمن قلابی تازه راه برای این پتانسیل عظیم اجتماعی علیه نظام سرمایه داری باز خواهد شد.

عملکرد حکومت تحمیل شده بر ایران و تجربه مبارزه مردم در این ۳۶ سال نشان داده که این دشمن قلابی تنها با تفنگ و انقلاب از پا در می آید. این حاکمیت با سرعتی که جامعه ایران را شخم می زند و چنین فلاکت و تباهی را بر مردم تحمیل می کند، مدام با تضاد حاد اجتماعی و با خشم مردم مواجه است و نمی تواند به حرکت های اعتراضی مسالمت آمیز و به نهاد های مدنی و حقوق بشری که خارج از دست ساز وزارت اطلاعات باشد تن بدهد. در دو دهه گذشته از دوران خاتمی تا به امروز تمامی تلاش ها و مبارزاتی که به صورت تشکل های علنی و مسالمت جویانه و صنفی انجام گرفته در عمل نتوانسته بن بست مبارزاتی موجود را بشکند. بن بستی را که دستگاه سرکوب رژیم با کمک تجربیات و تجهیزات دستگاه های امنیتی دولت های غربی و با کمک بمباران دستگاه های تبلیغاتی و رسانه ای آنها ساخته است. در چنین شرایطی طبیعی است که نیروی جوان و مبارز جامعه به سمت حرکت های زیرزمینی راه می برد. تمامی ترس و هراس رژیم و اپوزیسیون سازی ها و ترفند هایش برای این است که ذهنیت نیروی فعال جامعه و نسل جوان به سوی تفنگ و مبارزات زیرزمینی سوق پیدا نکند. چرا که می داند نیروی انقلابی و رهبری آن از دل همین ذهنیت و از دل چنین حرکت هایی زائیده خواهد شد.

امروز هر فرد و جریانی با هر ادعای سیاسی، این حق طبیعی مردم برای دست بردن به سلاح در مقابل چنین حاکمیتی را به رسمیت نشناسد و در مقابل این حق طبیعی مردم موضع بگیرد، اگر پادو رژیم و سرمایه داری نباشد، خود به خود در فضا و گنداب سیاسی تنفس می کند که رژیم و اربابانش ساخته اند. امروز هر فرد و جریانی که آرمان آزادی و رهایی از چپاول سرمایه داری را در سر می پروراند وظیفه دارد که شگردها و اپوزیسیون سازی ها و بی راهه هایی که رژیم با کمک دولت های غربی بر سر راه مبارزات مردم ایران می گذارد را رسوا کند و حرکت نیروی فعال و جوان جامعه را به سمت تفنگ و مبارزه مسلحانه تقویت کند. در غیر این صورت باید منتظر بود که مصرف این دشمن قلابی برای ارباب تمام شود و خود ارباب این دشمن قلابی را از میان بردارد که طبعاً آن زمان دیگر نظم نوین برده داری برقرار شده است.

مسلم منصوری

۲۰۱۶/۵/۱